



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

رهیافتی بر شغل خانه داری و تاثیر گذاری تربیتی آن در دین اسلام

دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

لیلا دولت خواه^{id}

حسن حیدری*^{id}

سیدحسام الدین حسینی^{id}

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰ ایمیل نویسنده مسئول: dr.hasanheidari@yahoo.com

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر رهیافتی بر شغل خانه داری و تاثیر گذاری تربیتی آن در دین اسلام بود. **روش پژوهش:** روش این تحقیق توصیفی تحلیلی با فن کتابخانه ای است. **یافته ها:** مادر بودن، یک مسئولیت بزرگ است زیرا که مسئولیت وی تربیت (فرزندان) بر اساس نیکی و فضیلت برای یک جامعه سالم و صالح است که نیروی سازنده کشور و ملت خواهد بود. یکی از دلایل مهم و اساسی تشکیل نهاد خانواده بقاء و تداوم نسل و فرزند آوری و تربیت آن است که اهمیت جایگاه مادر و شغل خانه داری در دین مبین اسلام را می رساند لذا اسلام به کار زن، در منزل به عنوان شغل می نگرد و به شغل خانه داری و زن عنایت ویژه دارد، و حتی شیر دادن به کودک را به عنوان وظیفه واجب زن نمی داند، بلکه برای زن در مقابل شیردهی به کودک، اجرت قائل می باشد. یک مادر زمانی نقش مادری و شغل خانه داری و ابعاد این شغل را به نحو مطلوب به سرانجام می رساند که بتواند وظایف اخلاقی و تربیتی خود در قبال اعضاء خانواده را به بهترین شکل ممکن به انجام برساند، چون شغل مادر همان شغل انبیاست که اثر تربیتی آن را نمی شود نادیده گرفت. لذا خانه داری بعنوان شغل و دارای تأثیر تربیتی فراوان می باشد. **نتیجه گیری:** نتایجی که حاصل شد این است که خانه داری، دستاوردهای بزرگ تر از شغل دارای دستمزد دارد، و آن تربیت جامعه انسانی می باشد که منافع آن به تمام اقشار جامعه می رسد. و این امر خطیر جایگاه تربیتی خانواده را به جامعه انعکاس می دهد.

کلیدواژه ها: شغل، خانه داری، تربیت، خانواده

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۵ | پیاپی ۱۴ | ۱۹-۳

زمستان ۱۴۰۱

(مجموعه مقالات حوزه زنان)

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(دولت خواه، حیدری و حسینی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

دولت خواه، لیلا، حیدری، حسن، و حسینی، سیدحسام الدین. (۱۴۰۱). رهیافتی بر شغل خانه داری و تاثیر گذاری تربیتی آن در دین اسلام. فصلنامه خانواده درمانی کاربردی، ۳(۵) پیاپی ۱۴: ۱۹-۳.

مقدمه

زنان اساس جامعه و عامل تعیین کننده در تمدن به حساب می‌آیند؛ چرا که زن اساس و منشأ ساخت جامعه ایده‌آل و کانون رشد و آرامش بشری است و تا خانواده مطلوب به وسیله زن بنا نشود، نمی‌توان جامعه ایده‌آل را رقم زد. در تمدن اسلام زن به عنوان پیکره‌ی اصلی جامعه دارای نقشی تعیین کننده در بقا و گسترش نسل انسانی، پرورش و تربیت فرزندان صالح در خانواده می‌باشد که این امر مورد توجه اندیشمندان نیز بوده و هست. (سبحانی نژاد، ۱۳۹۴)

بر خلاف پندار برخی غرض ورزان یا ساده اندیشان، زن، مادر و معمار شخصیت کودک و آموزگار اوست، نه تر و خشک کننده و دایه‌ او، شیردادن و تر و خشک کردن فرزند، از وظایف قطعی مادر در خانه و خانواده نیست. از این رو، مجاز است در قبال این کار پاداش دریافت دارد یا آن را طبق قراردادی عادلانه انجام دهد. او می‌تواند تنها امور و شئون تربیتی و انسانی و روحی و عاطفی فرزندش را به عهده گیرد و شیر دادن و پرستاری و نظافت و بهداشت جسمی او را به دیگری بسپارد و هیچ کسی نمی‌تواند این وظیفه را بر او تحمیل کند. شریعت اسلام از زمان ظهور دیانت اسلام، حق مالکیت زن در اموالش را پذیرفته، پس هزینه‌های زن بر عهده شوهر می‌باشد و ارتباطی با انجام خانه‌داری زن ندارد، لذا انجام خانه‌داری، جزء حقوق واجب نیست که زن در خانه شوهر باید در قبال شوهر و فرزندان انجام دهد. اما از جمله شغل‌هایی هست که همیشه وجود داشته و هنوز هم ادامه دارد. اسلام تأکید بسیاری بر شغل خانه‌داری کرده است.

خانه‌داری، همان حضور در منزل و پرداختن به کارهای منزل می‌باشد. خانه‌داری مهم‌ترین شغل زن محسوب می‌شود. زن خانه‌دار تمام تلاشش در جهت ایجاد کانونی پر از مهر و محبت است و تمام امکانات رفاهی را برای فرزندان خود فراهم می‌کند. (ندری ایبانه، ۱۳۸۵) لذا پژوهش پیش رو به طور خاص، به بررسی موضوع پرداخته و با توجه به آیات قرآن تلاش می‌کند دیدگاه قرآن را نسبت به شغل خانه‌داری و اثر تربیتی آن تبیین نماید. بنابراین روش این تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی با فن کتابخانه‌ای خواهد بود. در این پژوهش تلاش شده است با اتکاء به منابع و کتب موجود به بررسی شغل خانه‌داری و تأثیرگذاری تربیتی آن در دین اسلام پرداخته شود. و در صدد است با روش استنتاجی به سوالات زیر پاسخ گوید:

۱. آیا خانه‌داری شغل بوده و در قرآن به شغل خانه‌داری اشاره شده است؟

۲. آیا شغل خانه‌داری اثر تربیتی بر کودک دارد؟

روش پژوهش

روش این تحقیق توصیفی تحلیلی با فن کتابخانه‌ای است؛ که با مرور کتب و متون موجود نتایج پژوهشی حاصل شد.

یافته‌ها

۱. تجلیل از مقام زن در اسلام

با ظهور دیانت اسلام - که آخرین و کامل‌ترین ادیان است - خط بطلان بر همه‌آرا و عقاید پوچ پیشینیان کشیده شد و زنان همچون مردان از همه‌مواهب طبیعی زیستن، اجتماعی، حقوقی، برخوردار شدند. به طوری

که در زمان کوتاه زندگی پیامبر و حکومت اسلامی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نمونه های زیادی به ظهور رسیده که نشان گر جایگاه و مقام اجتماعی زنان در زمان آن حضرت شد (حسینی (کهلائی)، ۱۳۸۴). زن از نظر اسلام مهمان محترمی است که از جنبه احترام، مهمان است و از جهت دخالت در امور زندگی، شریک صاحبخانه (شوهر) و از نظر امور داخلی، مدیر و سرپرست و وقتی بچه دار شود، مادر خانواده و مادر اجتماع است و بلکه زن خوب ملکه ای است در کندوی عسل خانواده (مصطفوی، ۱۳۸۹). به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «جبرئیل مرا درباره زن سفارش می کرد، تا جایی که گمان بردم طلاق او جایز نیست مگر در صورت زشتکاری آشکار» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶). اسلامی که برای شیردادن زن به فرزند خود شوهر را ملزم به پرداخت شیربها به زن می کند چون شیر از آن زن است و زن حق مالکیت بر خود و نفس خویش دارد. اسلامی که زن را به منتهی درجه آزادی و استقلال بالا برده مردان بدون اجازه زن، مجاز به ورود در زندگی وی نیستند، اسلامی که برای مرد و برای زن شخصیتی مجزا و حقوقی مشخص تعیین می کند و تجاوز به حقوق طرفین را از هر دو طرف تقبیح و او را مجازات می کند (حسینی (کهلائی)، ۱۳۸۴).

اینک به بررسی شغل خانه داری زن می پردازیم، که آیا خانه داری شغل محسوب می شود و آیا انجام کار منزل، حقی هست متعلق به مرد، که زن باید انجام دهد؟ یا خیر؟ و اینکه چه تأثیر تربیتی شغل خانه داری دارد؟

۲. اهمیت کار زن در منزل از دیدگاه اسلام

اگر ما بخواهیم جامعه و مملکت سالمی داشته باشیم، باید جامعه های کوچک مثل خانواده را بسازیم. کنترل و نگهداری و بهسازی نخستین واحد اجتماع یعنی حفظ شئون خانواده و اداره کردن خانه کار دشواری است، ولی همانگونه که باید جامعه سازی از فرد شروع شود، جامعه های بزرگ هم باید از جامعه کوچک که پایه و زیر بنای تکامل جامعه های بزرگ است تشکیل شود.

پاداش انجام این مسئولیت در اسلام بسیار زیاد است، تا آن جا که پیغمبر اکرم (ص) فرمود: یک ساعت خدمت گزاری در خانه بهتر از عبادت هزار سال و هزار حج و هزار عمره و آزاد کردن هزار برده و .. است. و نیز یکی از زنان از آن حضرت پرسید خداوند جهاد را بر مردان واجب کرده که آن ها در این راه شهید و مجروح شوند ثواب زیادی نصیب آن ها می شود و زن ها در خانه می مانند و نگهبان اموال و فرزندان شوهران هستند. آیا آن ها با رزمندگان در ثواب شریک هستند؟ حضرت فرمود: ای زن خوب گوش کن و به دیگران نیز بگو، مهربانی با شوهران و پاسداری از زندگی اهل خانه و نگهداری و اداره خانه پاداشی هم وزن پاداش مجاهدان راه خدا دارد (حسینی (کهلائی)، ۱۳۸۴).

زن نباید کار منزل را دست کم بگیرد و فکر کند که عمر او به هدر می رود و فقط کار، کار بیرون خانه است؛ بلکه خانه داری، شوهرداری و رسیدگی به امور منزل، یک هنر، افتخار و عبادت بزرگ برای او محسوب می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوب شوهرداری کردن زن، معادل تمام اعمالی است که مردان انجام می دهند. هنر خانه داری و تربیت فرزندان، هنر بزرگی است که نباید از آن غافل شد. زنان باید با دلگرمی تمام به رتق و فتق امور زندگی بپردازند که از کار مردان کمتر نیست. اداره زندگی از اداره یک مؤسسه اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. توجه به اهمیت آن حائز اهمیت است (رحیمی، ۱۳۸۶).

هر کسی در قبال کاری که انجام می‌دهد حق دریافت مزد دارد. نمی‌توان به کسی گفت که چون تو زن هستی باید به ازای کار مشابه حقوق کمتری دریافت کنی. اسلام با این امر مخالف است. از نظر اسلام اگر زن در خانه یا در هر جای دیگر کار کند، همان حقوقی به او تعلق می‌گیرد که به مرد تعلق می‌گیرد (امینی، ۱۳۸۶).

۲-۱. ارزش خانه داری در فقه امامیه

خانه داری در طول زندگی بشریت، به عنوان یک امر ارزشی به آن نگریده شده است. هرچند امروزه عده ای از زنان تحصیلکرده به کار بیرون از منزل بیشتر اهمیت و بها می‌دهند. اما آموزه های دینی، زنان را به انجام دادن فعالیت های خانگی توصیه کرده اند. از آن جا که بسیاری از این متون، این فعالیت ها را در رابطه زن و شوهری بیان کرده اند، می توان خانه داری را از نقش های مربوط به موقعیت همسری دانست. این روایات به ویژه روایت معروفی که چگونگی تقسیم فعالیت ها میان حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) توسط پیامبر اکرم (ص) را تبیین می کند، به روشنی نمایان گر تفکیک جنسیتی نقش ها هستند:

امام صادق (ع) به نقل از امام باقر (ع) فرمود: «علی (ع) و فاطمه (س) داوری درباره [تقسیم] خدمت [و کارها] را نزد پیامبر اکرم (ص) بردند؛ پس [پیامبر(ص)] بر فاطمه(س) به کار کردنش تا پیش از در [و داخل خانه] حکم کرد و بر علی (ع) به [کار کردن] پشت در [و خارج خانه] حکم کرد (زیبایی نژاد، ۱۳۹۱).

در دیدگاه اسلام، خدمات رسانی متقابل زن و شوهر از حیث معیشتی، به عنوان یکی از کارکردهای خانواده مفروض گرفته شده است. اسلام زنان شایسته را زنانی می داند که در رفع نیازهای معیشتی خانواده به شوهران خود، به ویژه با انجام دادن کارهای خانگی، یاری برسانند و با پاداش های معنوی فراوانی که برای این امر مقرر کرده، زنان را به خدمات خانگی تشویق نموده است؛ در عین حال از نظر حقوقی زنان را از انجام دادن کار خانگی معاف و شوهران را حتی در شرایط بی نیازی مالی زنان، به پرداخت نفقه آنان ملزم کرده است و به این ترتیب، مردان عملاً در خدمت زنان قرار گرفته اند (بستان نجفی و بختیاری و شرف الدین، ۱۳۸۹).

امام صادق (ع) فرمود: «زن صالحه بهتر از هزار مرد غیر صالح است و هر زنی که هفت روز به شوهرش خدمت کند، خداوند هفت در آتش [جهنم] را بر او می بندد و هشت در بهشت را بر وی می گشاید که از هر کدام خواست، وارد [بهشت] شود» (حر عاملی، ۱۴۱۶).

در رابطه با ارزش کار زن در خانه همین بس که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «مِهْنَةُ إِحْدَا كُنَّ فِي بَيْتِهَا تُدْرِكُ جِهَادَ الْمُجَاهِدِينَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ کار کردن هر یک از شما در خانه، جهاد مجاهدان را در پی دارد ان شاء الله» (عابدینی مطلق، ۱۳۸۶).

حال باید کمی با خود تفکر و تأمل کنیم چه کاری با ارزشمندتر از خانه داری، که روایات بسیار در مورد آن بیان شده است. آیا ارزشمندی کار، فقط به ارزش مادی آن وابسته است؟ همین که یک عمل ارزش معنوی نزد خداوند داشته باشد و آرامش و آسایش سایر مخلوقات را در پی داشته باشد، ارزشمند می باشد، چون وقتی یک کار ارزشمند باشد، ثواب اخروی شامل حال انجام دهنده آن می کند هر چند در قبال انجام آن دستمزدی دریافت شود. بنابراین خانه داری، تربیت فرزندان صالح، همسر خوب بودن، و مادر خوب بودن کارهایی ارزشمند هستند که قابل قیاس با پول نیستند و ارزشمند هستند.

۲-۲. نقش عظیم بانوان در انجام امورات منزل

هر محیطی را که در آن کار انجام شود، کارگاه گویند و این محیط هر نوع محلی می‌تواند باشد. وقتی راجع به کار صحبت می‌کنیم می‌توانیم این «کار» را در خانه یا خارج از آن تصور کرده در کارگاه و یا در اداره در نظر بگیریم یا در یک محیط تولیدی و صنعتی یا کلاً در هر جامعه‌ای (ستاد برگزاری نمایشگاه «تشخص و منزلت زن در نظام اسلامی»، ۱۳۶۹).

وقتی بحث کار را مطرح می‌کنیم در حقیقت در مورد افراد و امر اشتغال ایشان بحث داریم و اما اگر بخواهیم نقش بانوان را در انجام امور خانه کار تلقی نکنیم پس چه عنوانی بر آن صدق می‌کند؟ بعضی از افراد تلاش بانوان را در خانه کار نمی‌دانند. در حالی که این همان امری است که ما همیشه با آن مخالف بوده، بلکه معتقدیم نوع فعالیت بانوان در خانه «کاری» است پیچیده. چرا؟ زیرا «کار» در خانه آمیزه‌ای از تلاش و عاطفه است، آمیزه‌ای از تلاش و علاقه به آن تلاش است که همین علاقه به آن «کار» جهت می‌دهد.

کار در کارگاه با هر عنوان و امکاناتی فعالیتی اجتماعی و سازمان یافته است که دارای شکل خاص خود است. البته ممکن است کار در خارج از محیط خانه نیز یعنی در جوامع بزرگ تر از آن با انگیزه دیگری چون رفع نیاز مادی و کمک به معاش خانواده یا سرگرمی باشد و یا از همه این‌ها به لحاظ احساس مسئولیت نسبت به نظام و توأم با عشق و علاقه باشد.

به هر تقدیر ما نمی‌توانیم «کار» خانم‌ها در منزل را به احتساب نیاورده و ادعا کنیم این کار نیست. در واقع شاید یکی از شاق‌ترین کارها، همان تلاش در محیط خانه باشد، فعالیتی که بایست با ظرافت بسیار زیاد صورت پذیرد و هر کسی از عهده این کار بر نمی‌آید.

بنابراین ما بخش گسترده‌ای از کار را در محیط خانه داریم حالا اگر بانوی خانواده کار در منزل را انجام ندهد و به فرد دیگری بسپارد تا خودش به کار خارج از منزل برسد، آن فرد ثانوی که کار در منزل را پذیرفته، رفت و روب منزل، شست و شوی لباس‌ها و ظروف طبخ غذا رسیدگی به نظافت بچه‌ها و غیره آیا او کارگر محسوب نمی‌شود؟

پس چرا اگر شریک زندگی این همه کارها را انجام دهد، با یک تفاوت فاحش که بین کار او و کار کارگر خانه موجود است و آن هم عجین شدن کار با علاقه و عشق به کسانی که جهت رفاهشان تلاش می‌کنند، چرا زحمات او را کار نمی‌دانیم؟ و برای حاصل کارش ارزش قائل نیستیم؟ پس کسانی که مسئولیت وظایف خانوادگی را به عهده دارند، به واقع همه کار می‌کنند (تشخص و منزلت زن در نظام اسلامی»، ۱۳۶۹).

۳- بررسی مشروعیت اجرت المثل زنان در آیات قرآن

در چندین آیه از قرآن کریم به طور مستقیم و غیر مستقیم به تعلق اجرت به کارهایی که زوجه در منزل انجام می‌دهد، و نشان از ارزش شغل خانه داری می‌باشد می‌پردازیم:

۳-۱ ارتباط شیردهی با شغل خانه‌داری

پس از به دنیا آمدن فرزند، مرحله نگهداری و تربیت او آغاز می‌شود که باز هم مرحله‌ای بسیار دشوار و در عین حال حساس است. در این مرحله تغذیه کودک-شیردادن-بسیار اهمیت دارد. شیر دادن هر چند به طور مستقیم با جسم کودک مربوط می‌شود، ولی غیرمستقیم با روح و احساس‌های کودک نیز مربوط می‌شود.

شود و در روح و روان او تأثیر می‌کند. لذا اسلام برای شیر دادن، اهمیت خاص قائل شده است و راهنمایی‌های ضروری را در این باره بیان داشته است.

«و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد، هیچ کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند، نه مادر باید در نگهداری فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود. و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در نگهداری او به حد متعارف قیام کند. و اگر پدر و مادر به رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند هر دو را رواست، و اگر خواهید که برای فرزندان دایه بگیرید آن هم روا باشد در صورتی که دایه را حقوقی به متعارف بدهید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به کردار شما بیناست» (بقره/۲۳۳).

«و الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»؛ گرچه آیه شریفه به صورت خبری آمده، اما روشن است که فرمان است و پدران و مادران را موظف می‌سازد که حق کودک را رعایت کنند و او را بدین صورت شیر دهند (طبرسی، ۱۳۸۰).

شیردادن مادر به کودک برخلاف نماز و روزه «حکم الله» نیست؛ بلکه حقی است از خداوند برای مادر کودک که طبق بعضی ادله دیگر رجحان هم دارد، بنابراین مادر حق دارد کودک خود را تا دو سال کامل شیر دهد و نسبت به دایه برتر است؛ ولی این کار بر او واجب نیست، مگر حفظ حیات کودک در گرو تغذیه از شیر طبیعی باشد که در این صورت بر همه زنان شیرده که مادر کودک نیز در میان آن هاست، واجب کفایی است که بچه را شیر بدهند و در مواردی که باید کودک تنها از سینه مادر شیر بمکد، بر مادر واجب عینی است که او را شیر بدهد؛ ولی روشن است که آیه مورد بحث بر هیچ یک از این موارد دلالت ندارد، پس محتوای (و الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ)، انشای حکم ارشادی و حق شیر دادن برای مادر است و حکم مولوی و جویی یا استحبابی نیست و در صورت تنزل از حکم ارشادی، آیه بیش از حکم استحبابی را نمی‌فهماند.

تذکر: چون هر حقی با تکلیف متقابل همراه است، دیگران مکلف اند که حق مادر کودک را پاس دارند؛ نه او را از اعمال حق الهی منع کنند و نه دیگری را بر او مقدم دارند، هر چند وی در اعمال حق خود آزاد است. در صورت اختلاف میان والدین، حد دو سال کامل، مرجع حل اختلاف است و پس از آن، مادر حق ارضاع ندارد و در صورت ادامه شیردهی، بر پدر کودک واجب نیست اجرتی به او بپردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۵).

این دوران شیر دادن فطری است که نوزاد در آن به شیر مادر که بهترین خوراک برای او و بالخاصه در نخستین روزهای آن است، نیاز دارد. و بر زن روا نیست که از این وظیفه واجب خود به عنوان مادر بگریزد، و سرنوشت فرزند خود را به خاطر سبب‌های تجملی جزئی به مخاطره بیندازد. چه آینده فرزند او متکی بر این شیر است و از لحاظ علمی ثابت شده است که بیشتر ناتوانی‌ها و بیماری‌ها در فرزندان نتیجه محروم ماندن از شیر مادر است (مدرسی، ۱۳۷۷).

نظر پژوهشگر این است که شیر دادن به نوزاد وظیفه واجب نیست که آیت الله محمد تقی مدرسی فرمودند وظیفه واجب زن می‌باشد.

و در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام آمده است که: «زن آزاد بر شیر دادن فرزند مجبور نمی‌شود، ولی کنیز، مجبور می‌شود».

آیه الله ملا محمد محسن فیض کاشانی گوید: احتمال دارد معنی آیه این باشد که ارضاع و شیردادن حق آن‌ها است و اگر بخواهند نمی‌توان آن‌ها را منع کرد، و از پیامبر نقل شده است که: «برای فرزند شیری بهتر از شیر مادر نیست».

و در کافی و فقیه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «هیچ شیری که فرزند به آن شیر داده می‌شود، بهتر و با برکت‌تر از شیر مادرش نیست». گفته شده است و گاهی شیر دادن بر مادر واجب می‌شود مانند موردی که فرزند شیر نمی‌خورد مگر از مادرش، یا در جایی که زنده نمی‌ماند مگر با شیر مادرش، یا در جایی که یافت نمی‌شود مگر شیر مادرش (فیض کاشانی، ۱۳۸۶).

آیه شریفه در ادامه به مدت شیردادن اشاره می‌کند و می‌فرماید: «حولین کاملین ..». به کار بردن واژه «کامل» در مورد دو سال، نشان گر آن است که مدت شیردهی باید دو سال تمام، یعنی ۲۴ ماه دقیق باشد، نه دو سال تقریبی که در میان مردم گاه به کمتر نیز گفته می‌شود. این جمله از آیه شریفه، یک نکته واجب و یک نکته مستحب را بیان می‌کند. نکته اخلاقی این است که کودک باید دو سال کامل شیر داده شود؛ اما نکته حقوقی این است که شیر دهنده تنها پاداش دو سال شیردادن را می‌گیرد، نه بیشتر؛ چرا که ممکن است بیش از دو سال نیز کودک را شیر دهد، ولی افزون بر دو سال اجرت نخواهد داشت (طبرسی، ۱۳۸۰).

از این آیه شریفه چنین برمی‌آید که شیر دادن کودک، وظیفه قطعی مادر نیست؛ زیرا آیه مبارکه، انجام دادن این کار را به خواست قلبی پدر و مادر مشروط کرده است. اگر به راستی شیر دادن کودک بر مادر واجب بود، این شرط نباید آورده می‌شد، افزون بر این، در آیه دیگری از قرآن شریف نیز این دریافت به صراحت بیان می‌شود؛ بدین صورت که اگر برایتان مشکلی پیش آمد، از دیگری بخواهید کودک شما را شیر دهد. برخی بر آنند که خدا نخست شیر دادن کودکان تا دو سال را واجب ساخت، اما در ادامه آیه شریفه به آنان اجازه داد تا اگر خواستند، کمتر از آن شیر دهند؛ و این اجازه را اینگونه بیان می‌فرماید: «لمن اراد یتم الرضاعة..» (طبرسی، ۱۳۸۰).

۲-۳ نحوه تأمین هزینه شیردهی مادران

پدر کودک باید در برابر شیر دادن مادر به فرزند او خوراک و پوشاک مادر را در دوران شیردهی آماده کند: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ». کودک فرزند مادر نیز هست.

بنابراین سر تعبیر از پدر به (المولود له)، با این که کلمه «والد» مختصر از آن است، تناسب میان حکم (اجرت دهی) و موضوع است؛ نه این که کودک فقط از آن پدر باشد.

و جوب پرداخت اجرت شیردهی، حکم تکلیفی محض نیست تا در صورت نپرداختن آن پدر فقط گناه مرتکب شده باشد، بلکه از احکام تکلیفی آمیخته به حکم وضعی است، زیرا تأمین خوراک و پوشاک مادر که شیر می‌دهد دین است که در صورت نپرداختن، پدر به مادر کودک بدهکار است.

تأمین هزینه مادر شیرده مانند نفقه زن است؛ نه نفقه اقارب، که حکم تکلیفی محض باشد، از این رو مادر می‌تواند با مراجعه به دادگاه هزینه شیردهی خود را درخواست کند.

دربارهٔ نفقهٔ زن در روایت نبوی آمده است: لهن علیکم رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف که حرف «لام» در «لهنّ» برای هر یک از ملکیت و اختصاص یا حق باشد، زن را طلبکار می‌کند؛ ولی دربارهٔ مادران شیرده حرف «لام» نیامده است (جوادی آملی، ج ۱، ۳۷۷)؛ زیرا روشن است که تأمین آن‌ها در برابر شیر دادن به کودک و کنایه از اجرت مسمی یا اجرت المثل است: (فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ) و این اجرت را می‌توان از مال کودک پرداخت، اگر مالدار باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۳۷۸).

همچنین هزینهٔ شیر دادن به کودک با نفقهٔ واجب زن تفاوت دارد؛ زیرا نفقه مربوط به تمکین زن دائمی است، گر چه شیرده نباشد؛ ولی تأمین هزینهٔ شیردهی در برابر شیردادن است، هر چند مادر کودک مطلقه یا نکاح او موقت باشد.

بر این اساس، میان نفقهٔ واجب زن و اجرت شیردهی، عام و خاص من وجه است و پدر کودک موظف است به زن دائمی خود که کودک را شیر می‌دهد، غیر از نفقهٔ واجب زن و به مادر شیرده کودک که طلاق غیر رجعی داده شده است و نفقهٔ واجب ندارد، اجرت شیردهی را بپردازد و این هزینه با نفقهٔ واجب زن ارتباطی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵).

تأمین هزینهٔ مادران شیرده باید مطابق موازین پسندیدهٔ عقلی و نقلی و از هر گونه افراط و تفریط و فشار پیراسته باشد: (وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ)، چنان که معاشرت در دوران زندگی مشترک یا در ایام عدهٔ طلاق، باید بر اساس معروف باشد.

پدر کودک به اندازهٔ توانش باید خوراک و پوشاک مادر شیرده را آماده کند نه بیش از آن: (لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا أَلَا وُسْعَهَا)، چنان که مادر شیرده نیز به اندازهٔ وسع خود فرزند را شیر می‌دهد، پس پدری که توانایی بیشتری دارد، باید طبق دارایی خود و رعایت شأن مادر، زندگی او را اداره کند و در صورت تنگدستی به اندازهٔ تنگنایی، دین خود را بپردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۵).

هیچ کس را تکلیفی جز به اندازهٔ توانش نمی‌توان مکلف ساخت. این تعلیلی است برای واجب بودن هزینه، و مقید کردن به معروف و توان و قدرت تفصیل و توضیح آن است (فیض کاشانی، ۱۳۸۶).

و در کتاب فقیه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که: «حضرت دربارهٔ مردی که فوت کرده بود و کودکی از خود باقی گذاشته بود و برای او زن شیردهی را اجیر کرده بودند، حکم نمود که مزد شیردادن فرزند از آن چه که باقی مانده از پدر و مادر پرداخت شود» (فیض کاشانی، ۱۳۸۶).

همچنین در آیه ۶ سوره طلاق به بحث شیردهی نوزاد و اجرت مادرانشان اشاره شده است.

علم نوین به این حقیقت معترف است، و براساس همین مقررات تازه‌ای دربارهٔ خوراک زن بچه‌شیرده و زن باردار وضع شده است که مستلزم اهتمام خاص به غذای آنان در این دو مرحله است.

«فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ؛ پس اگر برای شما به شیر دادن پرداختند، مزد و پاداش ایشان را بدهید.» در مقابل عمل شیردادن، ولی تهیة مسکن و نفقه دیگر پس از وضع حمل بر شوهر واجب نیست.

زن حق ندارد که شوهر خود را-مخصوصاً اگر مطلقه باشد-به قبول شیر دادن خودش مجبور کند، ولی می‌تواند تفاهمی دربارهٔ این مسئله صورت بگیرد که از هر گونه فشار وارد آوردن و توسل جستن به راه‌های پر پیچ و خم خالی، و از راه حق صورت اتمام پذیرفته باشد.

«وَ أَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ؛ با یکدیگر به نیکی و با گفتگو و مشاوره کار را به انجام برسانید.»

و ناگزیر باید این امر به صورت صحیحی صورت بگیرد و خردمندان خوب و «معروف» بودن آن را بپذیرند تا کار به صورتی جریان پیدا کند که هر دو طرف به آن راضی باشند (مدرسی، ۱۳۷۸).

پدر اجرت المثل برای شیر به مادر بدهد و مادر نیز با اینکه اولاد خود اوست، خوب پذیرائی از طفلش بنماید و اگر شما پدران در اجرت شیر سخت گیری نمائید و مادر از شیردادن مضایقه بکند پدر دایه دیگر برای بچه اش می گیرد (امین، بی تا، ج ۱۳، ۳۷۰).

این آیه مشعر به این است که شیر مادر برای بچه بسیار اهمیت دارد و نیز مادر اولی است برای شیردادن طفل خود، لکن بایستی پدر اجرت المثل بدهد به زنی را که رها نموده که بچه خود را شیر دهد. از این جا می توان پی برد که هر گاه مادر و پدر طفل در شیر دادن اختلاف نمایند، مادر بخواهد بچه خود را با اجرت یا بدون اجرت شیر دهد و پدر مایل نباشد حق مادر پیش است یعنی مادر حق دارد که بچه خود را شیر دهد.

از این آیه نیز می توان استفاده نمود که بالاترین وظیفه زن در جامعه این است که بچه خود را شیر بدهد و او را خوب تربیت نماید که قوای جسمانی او در اثر بهداشت صحیح و قوای روحانی وی در اثر تلفیق و تمرین به وظائف دینی و اجتماعی قوی گردد و بالاترین وظیفه مرد در جامعه این است که دنبال کسب و عمل برود و امور خانوادگی خود را به طور نیکو و از طریق مشروع اداره نماید (امین، بی تا، ج ۱۳، ۳۷۰).

نظر پژوهشگر بر آن است که حتی اگر مشکلی در زندگی زناشویی نباشد و مادر، فرزند خود را با عشق و علاقه شیر دهد و اجرت شیردهی را درخواست نکند، باز شایسته است که پدر نوزاد به مادر فرزند، اجرت شیردهی را تعارف کند.

۴. آثار مطلوب تربیتی شغل خانه داری زنان در خانه

کار منزل، کار نامرئی زنان خانه داری است که ۲۵ تا ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد، اما درآمد ملی منظور نمی شود و اگر خدمات زنان خانه دار را با هزینه و خدمات جامعه به حساب آوریم، باید دگرگونی عمده ای در زمینه برنامه ریزی های مختلف اجتماعی، اقتصادی، حتی سیاسی بوجود آید. با این که خدای سبحان برای کار منزل ارزش فوق العاده قائل است، اما خدمت زن در منزل کاری اجباری نیست و جزء وظایف او به حساب نمی آید. خدای متعال زن را مختار کرده است که اگر خواست کار منزل را انجام دهد. البته در مقابلش یک نیروی عظیم و گسترده ای از عواطف در وجودش نهاده که به وسیله آن پیوندهای خویشی را با عاطفه برقرار کند و برای سامان یافتن امور زندگی کارهای منزل را انجام دهد. ولی کارهای منزل به عنوان یک نقش اخلاقی وجدانی او است و روایات فراوانی زن را در همین مسیر هدایت می کند (ستاد برگزاری نمایشگاه «تشخص و منزلت زن در نظام اسلامی، ۱۳۶۹).

از نکات مهم در خانواده، یاری رساندن و همکاری در اداره امور منزل است. بر اصل تعاون در آموزه های اسلام بسیار تأکید شده و در خانواده نیز اساس زندگی مشترک است. تعالیم اسلام وظایف را به گونه ای در خانواده تقسیم کرده که همه افراد مسئولیتی را به عهده گیرند تا خانواده بتواند کارکردهای مؤثر خود را ایفا کند. البته بخشی از فعالیت های منزل بر عهده مرد یا زن نیست، ولی نکته مهم مساعدت هر یک از زن و مرد به یکدیگر در اداره امور منزل است.

در کلمات اولیای دین (ع) برای تشویق زن و مرد به یاری یکدیگر، نکات جالب توجهی بیان شده که توجه به آن ها انگیزه های همکاری را در منزل بیشتر می کند. در مورد خدمت زن در محیط خانواده آمده است

«اگر زنی به همسرش جرعه‌ای آب بنوشاند، ارزش معنوی این رفتار بیش از ثواب یک سال روزه و عبادت شب‌های آن است و خداوند در برابر هر جرعه‌ای که به همسرش می‌نوشاند، برای او شهری در بهشت بنا می‌کند و شصت گناه او را می‌بخشد» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ۱۷۲). «زنی که برای اصلاح امور خانه چیزی را از جایی به جایی دیگر منتقل کند، خدا به او نظر نماید و کسی که خدا به او نظر کند او را عذاب نخواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ۲۵۱).

از توصیه‌های رفتاری جالب توجه در کلمات اولیای دین (ع)، کمک و خدمت‌گذاری مرد در خانه است. رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) سفارش می‌کند: «مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند مگر آن که به تعداد موهای بدنش عبادت یک سال روزه با نماز در شب‌هایش برای او پاداش قرار می‌دهند و خداوند پاداش پیامبران صوری مانند داود (ع) و یعقوب (ع) و عیسی (ع) را برای او قرار می‌دهد. ای علی، کسی که از خدمت به خانواده خودداری نکند، خداوند نام او را در زمره شهدا می‌نویسد و در مقابل هر روز و شب خدمت و هر قدم و رنج بدن، به او پاداش بسیار می‌دهد. ای علی، یک ساعت خدمت در خانه بهتر است از عبادت هزار سال، هزار حج، عمره و سیرکردن هزار گرسنه و بخشش هزار دینار، و از دنیا خارج نمی‌شود مگر آن که جایگاه خود را در بهشت ببیند. ای علی، خدمت نمی‌کند به خانواده مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند بخواهد خیر دنیا و آخرت را به او دهد (سالاری فر، ۱۳۹۳).

همچنین در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام بیان شده: ای علی! کسی که روگردانی و تکبر نکند در خدمت به همسرش، بدون حساب وارد بهشت می‌شود. ای علی! خدمت به همسر کفاره (پاک‌کننده) گناهان کبیره است و خاموش‌کننده آتش خشم پروردگار جبار و صداق ازدواج با حورالعین و این خدمت موجب زیادی خوبی‌ها و علو مقام است.

ای علی! خدمتکار همسرش نمی‌شود مگر شخص صدیق و درستکار یا شهید یا مردی که خداوند متعال خیر دنیا و آخرتش را خواسته باشد» (حیدری نراقی، ۱۳۸۹).

توجه به پیامدهای مطلوب خدمت در خانه، افراد باورمند را برمی‌انگیزد که کار و کمک در خانه را دارای ارزش معنوی تلقی کنند و به بهانه انجام برخی رفتارهای دینی، از خدمت در خانه شانه خالی ننمایند. چنان که گذشت، براساس آموزه‌های اسلام مرد مدیر خانواده به شمار می‌رود و چنین توصیه‌ای به او در خدمت به خانواده، مفهوم قوام بودن به معنی تصدی امور خانواده را بهتر نشان می‌دهد. اگر مرد به این توصیه عمل کند، همه اعضای خانواده به انجام وظایف تشویق می‌شوند و روح همکاری همراه با عواطف مثبت در فضای خانواده گسترش می‌یابد. از منظر جامعه‌شناختی، اصل اساسی در ازدواج و تشکیل خانواده، تشریک مساعی است. در تشریک مساعی فقط کمک به افراد در نظر نیست؛ بلکه فقط موجودیت خانواده هدف اصلی آن است (سالاری فر، ۱۳۹۳).

پس تصمیم بگیریم که این مهم را اگر قبلاً به آن توجه کمتری می‌کردیم، الان توجه بیشتری کنیم؛ چون ساعات دنیا و آخرت را با این کار نصیب خود می‌کنیم و سبب خشنودی خداوند و ائمه (ع) می‌شویم:

۴-۱ تأثیر مثبت شغل خانه داری بر حضانت فرزندان

مبحث حضانت، یکی از شیرین ترین مباحث مربوط به خانواده است. این که در فقه اسلام حضانت طفل از حقوق مادر شمرده شده، در حقیقت، به علت همان پیوند مستحکمی است که میان مادر و کودک وجود دارد (بهشتی، ۱۳۸۹).

«حضانت» از ریشه «حضان» گرفته شده و به «در آغوش گرفتن مادر (فرزندش را) و چسباندن او به سینه اش» اطلاق می شود که کنایه از نگهداری و تربیت جسمی روحی کودک است. به همین دلیل به زنی که حضانت و تربیت کودک را بر عهده گرفته «حاضنه» می گویند. در اصطلاح به معنی اقتداری است که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به والدین آن ها عطا کرده به طوری که در این اقتدار حق و تکلیف به هم می آمیزد (حسینی، ۱۳۸۹).

حضانت در فقه امامیه، سلطه والدین برای تربیت و نگهداری طفل و مجنون به منظور حفظ مصلحت اوست (عاملی جبعی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ۴۲۱).

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی حضانت، بی گمان این مفهوم، شیردهی به نوزاد را هم در برمی گیرد و شاید مهم ترین جنبه نگهداری از بچه به شمار آید. اما فقها بین رضاع و حضانت جدایی انداخته و گفته اند که اگر مادر مایل به شیر دادن به بچه نباشد، پدر موظف است زنی را برای شیردادن به کودک استخدام کند (میرشمسی، ۱۳۸۰، ۱۵۳). ولی بسیاری مادر را مستحق اجرت بر حضانت دانسته و گفته اند: در صورتی که مادر بیش از آنچه دیگران برای حضانت دریافت می کنند، مطالبه کند، پدر می تواند حضانت فرزند را به دیگری واگذار کند؛ لیکن در سقوط حق حضانت مادر در این صورت اختلاف است (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۷، ج ۳، ۳۰۹)؛

مادرانی که بر اثر بی توجهی و عظمت از صحنه تربیت خارج می شوند و مادرانی که کار بیرون را به کار درون خانه و تربیت طفل ترجیح می دهند و او را به دست افرادی می سپارند که هرگز دایه مهربان تر از مادر نیستند، همه یک حکم دارند و آن مادرانی نیستند که به فرمایش رسول گرامی اسلام بهشت را زیر گام های مقدس خود دارند. البته مادرهایی که به هیچ تقصیر و گناه مطلقه شده اند، در این مورد مقصر به حساب نمی آیند. بلکه آن ها قصور دارند و فرق است میان انسان قاصر و مقصر (بهشتی، ۱۳۸۹).

روایات فراوانی زن را در مسیر شغل خانه داری هدایت می کند. همان طور که رسول حق صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی در خانه شوهر، به منظور زیباسازی چشم انداز چیزی را جابه جا کند، خداوند به او نظر رحمت اندازد، و هر که مورد نظر رحمت باشد، از عذاب در امان است» (انصاریان، ۱۳۸۰).

پس مهمترین روش تربیتی تأثیرگذار بر فرزندان این است که فرزند در آغوش مادر پرورش یابد، و مادر به این شغل بر خود ببالد نه اینکه فرزند را به پرورشگاهها بسپارند. زنانی که فرزندان خود را از این موهبت الهی بی نصیب می کنند به ضرر فرزندان شان و جامعه اسلامی اقدام می کنند.

۴-۲ ارتباط شغل خانه داری با تربیت فرزندان

خانواده نخستین کانون تربیت کودک و معمار اولیه شخصیت اوست. در همین مدرسه بزرگ تربیتی است که فرزندان به تدریج از رفتارهای پدر و مادر، الگوبرداری می کنند. کودکان تا چند سالی مقلدند و مطابق

اصل «هماندسازی» تلاش می‌کنند که کارهای خود را «همانند» و «شبيه» آنان سازند (مروجی طبسی، ۱۳۹۰).

برای تربیت فرزند، زن باید در محیط امن و آسایش باشد، و از مهرورزی همسر برخوردار بوده و کلیه مسایل رفاهی را تا حد امکان در اختیار داشته باشد و چنین محیطی حتماً اداره و کارگاه نیست. او نیازمند به داشتن رأی و اختیاراتی در جهت به‌پروری فرزند است و قطعاً این رأی و اختیارات ربطی به سیاست و اجتماع ندارد. زن در محیط خانه است که می‌تواند به رفع این نیازها اقدام کند و به پرورش فرزندان با آرامش خاطر پردازد و در آن صورت مدیریت خانه و سرپرستی انتظام امور در اختیار او خواهد بود. خانه خوب تابع نیروی است که آن را اداره می‌کند. چنین نیرو در زن طبیعی‌تر موجود است. او در خانه فردی مقتدر و مطلق العنان و صاحب رأی و نفوذی عظیم است؛ خانه‌اش محل حکومت است و اتباع این حکومت، شوهر و فرزندان اهل خانه‌اند (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۰). او می‌کوشد امور خانه را در سایه صلاح و عفاف خویش، اعمال عقل سلیم تنظیم کند و افراد آن را سالم و خوشبخت بسازد. این مفهوم مورد تأیید اسلام است که به اعطای شخصیت به زنان و استقلال آنها توجه فوق العاده داشته است. پیامبر فرمود: «وَالْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا» زن، خانم و رئیس خانه خویش است و در این ریاست او مسئولیت دارد، مسؤولیت زیر دستان خویش.

«وظایف داخل خانه زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه این که زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای این که این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه، زنان هستند. آن کسی که اداره می‌کند، کدبانو، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست. تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی کار پرزحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافت زنانه از عهده انجام این کار برمی‌آید. هیچ مردی امکان ندارد بنواند این ظرافتها را رعایت کند» (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۰).

میتوان چنین گفت: چون کودک بیش از هر کس با مادر ارتباط دارد، مفاهیم دینی و اخلاقی را از مادر کسب می‌کند و همین اخلاقیات، سنگ و بنای شکل‌گیری شخصیت او در آینده می‌باشند. براین اساس پرورش کودک بسیار مهم است. چون آغوش مادر انتقال‌دهنده مهر و عاطفه به کودک می‌باشد. هرچه تماس با کودک بیشتر باشد کودک، از این موهبت الهی بیشتر بهره می‌برد. وقتی مادر در تمام طول روز در کنار طفل خود است نظارت دقیق در تغذیه و سیر رشد و بعد اخلاقی کودک دارد. شاید کسی بگوید نوزاد در طفولیت چیزی را درک نمی‌کند و اگر نزد مربی مهدکودک هم باشد. تفاوت آنچنانی ندارد. باید بگوییم در اشتباه محض می‌باشد وقتی تاثیر ادعیه و تغذیه و رفتار مادر بر روی جنین در رحم مادر تشخیص داده شده چطور رفتار مربی مهد در زمان نوزادی تاثیر ندارد؟ لذا خانه‌دار بودن مادر و تمام طول روز کنار فرزند بودن اثر مثبت، شغل خانه‌داری بر فرزند می‌باشد. مادر با شناخت دقیق و واقعی از فرزندانش، از تمام خصوصیات هوشی، ادراکی، روحی و روانی، آنها آگاه می‌شود که در تربیت آنها موثر بوده، و تلاش در جهت تربیت صحیح آنها می‌کند، لذا چنین فرزندان وقتی به نوجوانی و جوانی رسیدند افرادی بدون عقده و کمبودهای عاطفی می‌باشند. چون مشکل بسیاری از جوانان جامعه امروزی کمبود مهر و عاطفه و نظارت والدین خصوصاً مادر در زمان کودکی و نوجوانی بر آنها می‌باشد.

۳-۴. تأثیر تربیتی اشتغال بیرون از منزل بر فرزندان

در حقیقت مادر اصل، ریشه و سرچشمه وجود کودک است، و کودک انعکاسی از واقعیات جسمی و روحی مادر، و میوه‌ای از آن شجره مبارکه است.

حیثیت مادر بودن باید برای زن ثابت و پابرجا بماند، و گرنه نسل خوبی به وجود نخواهد آمد. مادر در فرهنگ اسلام باید مادر بودن خود را برای تربیت و رشد فرزندان حفظ کند. مادر باید برای فرزندان مادری کند، تا فرزندان از نظر فکری و عاطفی کمبود پیدا نکنند (انصاریان، ۱۳۸۰).

باید مادر در قبال مسئولیتی که به عهده گرفته است، پاسخ‌گو باشد و پاسخ‌گویی در این باره، دغدغه‌های خاطر برای او ایجاد می‌کند و برای رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب در این عرصه، متحمل زحمات و هزینه‌های زیادی می‌شود که از جمله‌ی آن‌ها، صرف وقت کافی برای پرداختن به تربیت دینی فرزندان و درونی سازی و تعمیق ارزش هاست. با شتابزدگی، که بیشتر اوقات هم با نیت خیر همراه می‌شود، نمی‌توان به این هدف نائل شد و ممکن است در پرورش دینی اختلال یا حتی مانع بزرگی ایجاد شود (اسکندری نژاد، ۱۳۸۹).

به دلیل آن که تربیت فرزندان مهم‌ترین مشغله‌ی زنان محسوب می‌شود، سوآلی که مطرح می‌گردد این است: آیا اشتغال زن خللی در تربیت فرزندان ایجاد می‌کند یا خیر؟ در پاسخ، می‌توان گفت: مادر وسیع‌ترین دنیای روانی و اجتماعی کودک است و از نظر کودک، همچون کسی است که از تمام نقاط این جهان اطلاع دارد. اشتغال مادر موجب اختلال در تکوین دلبستگی کودک نسبت به مادر می‌شود؛ زیرا مراقبت کودک از حالت انفرادی به حالت گروهی درمی‌آید و در نتیجه دلبستگی کودک نسبت به مادر از حالت طبیعی خارج می‌گردد. مادران شاغل نمی‌توانند همانند مادران غیرشاغل به طور تمام و کمال به کودکان خود رسیدگی کنند؛ چون مادر چندین ساعت از روز را خواه ناخواه جدای از فرزند به سر می‌برد. مادر وقتی پس از سپری شدن این ساعات، به فرزند می‌رسد خستگی ناشی از دنیای ماشینی به او اجازه نمی‌دهد که در ساعات باقی مانده‌ی روز به کودک رسیدگی مکفی و لازم بنماید؛ چون در این مدت، مسئولیت خانه و خانه‌داری نیز بر دوش اوست. در نتیجه باید گفت هر چند زنان واجد شرایطی هستند که می‌توانند در رسیدن به مقاصد آرمانی کشور نقش به‌سزایی داشته و در محافل علمی و اداری همانند مردان نقش فعالی داشته باشند، اما با مشکلات جدی در این زمینه روبرو هستند که باید در رفع آن‌ها کوشید (ندری ابیانه، ۱۳۸۵).

همچنین سپردن کودک به مراکز نگهداری و مهد کودک به ویژه در سال‌های اول زندگی و به مدت طولانی وی را با «محرومیت مؤسسه‌ای»، «عدم توانایی در ارتباطات عاطفی پایدار، و عدم ثبات شخصیت» مواجه می‌سازد. مطابق نظر اسپیتز^۱ جدایی‌های تا حدود هجده ماهگی ممکن است کودک را تا مرز «افسردگی اتکالی» با نشانه‌های بی‌اشتهایی روانی و اختلال‌هایی در رفتار غذایی، توقف رشد و تأثیر در تحول روانی- حرکتی پیش ببرد. مطالعات روان‌پزشکان نیز نشان می‌دهد، اختلالات عاطفی کودکان مانند کندی در سخن‌گفتن، کاهش بهره‌ی هوشی، کاهش جنب و جوش، کم‌عمقی واکنش عاطفی، اختلال حواس، ضعف استعداد تفکر انتزاعی و می‌تواند از آثار ناگوار محرومیت از مادر به حساب آید (دبیرخانه هم‌اندیشی، ۱۳۸۰).

^۱. Spitz

با توجه به اینکه کودکان در مراحل مختلف تحول روانی و رشد جسمانی خصوصیات متفاوتی دارند، واکنش‌های آنها نیز متناسب با این مراحل متغیر است، به طور مثال اگر کودک را پیش از دوسالگی به شخصی غیر از مادر بسپاریم که نتواند به خوبی او را نگهداری کند، واکنش‌هایی نظیر؛ اضطراب جدایی با نشانه‌های وحشت‌زدگی، همراه با ناراحتی‌های جسمانی؛ اسهال، تهوع، استفراغ و.....رو به رو می‌شویم. اما در دوره پیش دبستانی اضطراب جدایی با پرخاشگری و نارسایی در توجه و..... آشکار می‌شود. و در کودکان دبستانی علاوه بر موارد بالا، افت تحصیلی را هم می‌بینیم.

شواهد نشان می‌دهد اگر کودک طی سه سال اول زندگی، امکان دل بستن به مادر یا جانشین مادر که ثابت باشد نیابد ممکن است شخصیتی بی‌عاطفه یا جامعه ستیز پیدا کند(بیدی، فاطمه و رنجبرزاده اکبر، ۱۳۹۴). نظر پژوهشگر بر این است که مادر رکن اساسی خانواده در تربیت فرزندان می‌باشد. حتی از زمانی که مادر باردار می‌باشد، نوزاد از مادر خود اثر پذیری دارد. لذا مادر نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فرزند دارد. بنابراین اشتغال بیرون از منزل سبب وارد شدن ضربات روحی فراوان به فرزند می‌شود که البته دولت الان یک سری حمایت‌های از زنان شاغل در جهت مرخصی زایمان و زمان شیردهی می‌کند ولی همچنان این حمایت‌ها نمی‌توانند خلاء وجود همیشگی مادر در منزل و در کنار نوزاد بودن را پر کند. البته برخی از مادران با خود تصور می‌کنند که چون مدت زمان زیادی به تحصیل علم پرداخته‌اند حتما باید در اداره یا ارگانی استخدام شوند چون اگر درجایی استخدام نشوند درس خواندشان بی فایده بوده. لذا تلاش می‌کنند که بیرون از منزل به کاری مشغول شوند، غافل از اینکه فرزندان آنها بسیار زیان می‌بینند. نقش زنان در کارهای اجتماعی و خدمت‌رسانی ایرادی ندارد. و ممنوع نیست. اما زن خانه‌دار باید بفهمد باید درک کند که هیچ خدمتی برای او، بالاتر از وظیفه مادری نیست. برخی از زنان برای رسیدن به استقلال مالی خود، حق فرزند خود را نادیده می‌گیرند. و سبب ضرر و زیان بسیار به وی میشوند و حتی سبب ایجاد عقده در وی می‌گردند.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده مقدس‌ترین نهاد در دین مبین اسلام می‌باشد که از زن و مرد تشکیل شده است و رعایت حقوق زوجین از اهمیت والایی برخوردار است. چون اگر حقوق زوجین شناخته شود، اختلاف در خانواده کاهش می‌یابد، مثلاً کارهایی که زن در منزل بعنوان وظیفه انجام می‌دهد و خیلی مواقع، این کارها وظایف واجب زن خانه‌دار دانسته می‌شود بر او واجب نیست بلکه می‌تواند انجام ندهد. البته در کتب روایی ما و سیره ائمه هم به این مطلب اشاره شده است و حتی مسأله شیردادن در آیات قرآن بیان شده، که حتی این شیردادن هم وظیفه واجب زن محسوب نمی‌شود و زن در برابر آن می‌تواند از همسر خود اجرت دریافت نماید پس با این وجود مشخص می‌شود که بجز مسأله تمکین زن در برابر شوهر، بقیه کارهایی که در منزل بعنوان خدمات ارائه می‌دهد بر زن واجب نبوده، چون اگر این کارها را انجام ندهد شوهر مجبور می‌شود در قبال انجام این کارها از نیروی خدماتی بیرون استفاده کند و بابت آن هزینه پرداخت شود، و خانه دار بودن مادر نقش تربیتی بر کودک داشته، چون اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم و قوی و مفید داشته باشیم باید کسانی که عهده دار مسئولیتها در جامعه می‌باشند تربیت صحیح و سالم دیده باشند و از لحاظ روحی و روانی افراد

سالمی باشند. فرزند عضوی از اعضای جامعه هست که مادر با تربیت او و ساختن شخصیتی مفید و سالم از وی کمک شایانی به جامعه می کند. لذا افراد خانواده و جامعه و نظام حکومتی نمی توانند منزلت شغل خانه داری و تاثیر گذاری تربیتی آن را تنزل دهند. نتیجه دیگری که حاصل می شود این است که برای اینکه کاری را شغل محسوب نماییم نیاز نیست حتماً زن از منزل خارج شود، بلکه هر محیطی که در آن کار انجام شود کارگاه گفته می شود و این محیط شامل هر نوع محلی می تواند باشد و می تواند این کار را در خانه یا خارج از خانه انجام دهد پس نقش بانوان در انجام امورات خانه، و اثر تربیتی بر فرزندان را نمی شود نادیده گرفت.

تعارض منافع

این پژوهش بین نویسندگان این مقاله هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

قرآن کریم

- امین، نصرت بیگم. (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید. اصفهان. نشاط.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۶). آشنایی با وظایف و حقوق زن. چاپ دوم. قم. مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۰). نظام خانواده در اسلام. چاپ نوزدهم. قم. انتشارات ام ابیها.
- اسکندری نژاد، خدیجه. (۱۳۸۹). «نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزندان»، فصلنامه تخصصی طهورا. ۳(۷): ۱۰۷-۱۴۳.
- بهشتی، احمد. (۱۳۸۹). مسائل و مشکلات زناشویی. چاپ پنجم. تهران. نشر بین الملل.
- بستان نجفی، حسین؛ بختیاری، محمد عزیز و شرف الدین، حسین. (۱۳۸۹). اسلام و جامعه شناسی خانواده. چاپ پنجم. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیدی، فاطمه، و رنجبرزاده اکبر. (۱۳۹۴). اصول تعلیم و تربیت کودک (از منظر مکتب اسلام و علم روانشناسی). چاپ اول. تهران. آوای نور.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). تفسیر تسنیم. سعید بندعلی. چاپ اول. قم. مرکز نشر اسراء.
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. چاپ سوم. قم. مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
- حسینی، ابراهیم. (۱۳۸۹). حقوق خانوادگی و اجتماعی زنان. چاپ دوم. قم. دفتر نشر معارف.
- حسینی (کهلائی)، نعمت الله. (۱۳۸۴). نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه. چاپ اول. قم. عصر انقلاب.
- حیدری نراقی، علی محمد. (۱۳۸۹). رساله حقوق امام سجاد علیه السلام: شرح نراقی. چاپ شانزدهم. قم. انتشارات مهدی نراقی.
- دبیرخانه هم اندیشی: مجموعه گفت و گوهای هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت ها و رویکردها. (۱۳۸۰). چاپ اول. قم. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- رحیمی، عباس. (۱۳۸۶). ازدواج موفق. چاپ سوم. قم. نشر جمال.
- زیبایی نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۱). جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی. چاپ اول. قم. هاجر.

- سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۹۳). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. چاپ دهم. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سبحای نژاد، مهدی، کشاورز زاده، علی، و نفیسی مقدم، شهلا. (۱۳۹۴). تبیین سلوک اجتماعی زنان در تمدن اسلامی با بهره‌گیری از تفسیر المیزان. مجموع مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی. دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد. ۱: ۶۷۸-۶۸۳
- ستاد برگزاری نمایشگاه «تشخص و منزلت زن در نظام اسلامی: مجموعه سخنرانیهای اولین نمایشگاه، تشخیص و منزلت زن در نظام اسلامی». (۱۳۶۹).
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۰). تفسیر مجمع البیان. تهران. مترجم علی کرمی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. عاملی جبعی، زین الدین. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام فی شرح الشرایع الاسلام. قم. مؤسسه المعارف الاسلامیه. عابدینی مطلق، کاظم. (۱۳۸۶). نهج الفصاحه. چاپ سوم. قم. فراگفت.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۳۸۶). تفسیر صافی. جمعی از فضلاء با نظارت عقیقی بخشایشی. چاپ دوم. قم. نوید اسلام.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. چاپ دوم. بیروت. مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۶). میزان الحکمه. مترجم. حمید رضا شیخی. چاپ هفتم. قم. دارالحدیث.
- مصطفوی، جواد. (۱۳۸۹). بهشت خانواده. چاپ اول. تهران. اندیشه مولانا.
- مدرسی، منصور. (۱۳۷۷). تفسیرهدایت. عبدالمحمدآیتی. چاپ اول. مشهد. آستان قدس رضوی.
- مروجی طیبی، محمدجواد. (۱۳۹۰). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام. چاپ هفدهم. قم. مؤسسه بوستان کتاب.
- مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام: فرهنگ فقه فارسی. (۱۳۸۷). چاپ اول. قم. مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
- میرشمسی، فاطمه. (۱۳۸۰). «حضانت از دیدگاه فقه امامیه و سایر مذاهب اسلامی». مجله دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۵۳.
- ندری ایبانه، فاطمه. (۱۳۸۵). «خانهداری، اشتغال و زنان ایرانی». فصلنامه بانوان شیعه. ۳(۹): ۵۸-۷۶

An approach to housework and its educational influence in Islam

Leila. Dolatkhan¹ & Hassan. Heidari^{*2}, & Seyyed Hesamodin. Hosseini³

Abstract

Aim: The purpose of the current research was to find an approach to housework and its educational influence in Islam. **Method:** The research method is descriptive and analytical with the library method. **Results:** Being a mother is a solemn responsibility because her responsibility is to raise (children) based on goodness and virtue for a healthy and virtuous society that will be the constructive force of the country and the nation. One of the important and fundamental reasons for the formation of the family institution is the survival and continuation of the generation, childbearing and raising children, which conveys the importance of the position of the mother and the housework in the religion of Islam. Islam pays special attention to housework and women. Ultimately, Islam does not consider breastfeeding as a woman's obligatory duty, but it gives a reward to the woman for breastfeeding the child. A mother fulfills the role of motherhood, the job of housekeeping, and the dimensions of this job in the best possible way when she can fulfill her moral and educational duties towards the family members in the best possible way, because the mothers' job is prophets' job that has an educational effect which cannot be ignored. Therefore, housekeeping as a job has a lot of educational influence. **Conclusion:** The obtained results indicate that housekeeping has greater achievements than a paid job, which is the education of human society whose benefits reach all levels of society and this serious matter reflects the educational position of the family to the society.

Keywords: *job, housekeeping, upbringing, family*

1. PhD student, Department of Educational Sciences and Counseling, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2. ***Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
Email: dr.hasanheidari@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Counseling and Psychology, Quchan Branch, Islamic Azad University, Quchan, Iran